

کنگره جبهه ملی ایران

بقیه از ص ۱

چون چند میلیارد دلار از بودجه دولت صرف صنایع اتمی شده بنابراین نابود کردن آن را خلاف مصالح ملت می دانیم. چون نظام کنونی کشورمان پایبند به موازین جهانی باید باشد و از حقوق ملت پاسداری کند، تا روزی که یک نظام ملی - مردمی در ایران به جلوه درآید باید نظارت سازمان ملل متحد را تا آن روز داشته باشیم.»

در دومین روز این اجلاس آقای مهندس مسعود هارون مهدوی نماینده جبهه که از آلمان در کنگره شرکت کرده بود، در مخالفت با موضع گیری جبهه ملی نسبت به نوع نظام آینده و گزینش نظام جمهوری توسط جبهه ملی سخن گفت که بحث ها و گفت و گوهایی را در پی داشت.

در کنگره جبهه ملی آمریکا به جای آقای دکتر ممتاز رئیس سابق شورا، خانم پریچهر بروهان به عنوان رئیس جدید شورای جبهه ملی در آمریکا برگزیده شد.

مهندس هوشنگ کردستانی که بعثت نداشتن ویزا موفق به شرکت در نشست های اجلاس نشده بود پیامی برای کنگره فرستاد که توسط خانم پریچهر بروهان قرائت شد:

پیام هوشنگ کردستانی

به کنگره جبهه ملی در آمریکا

پاریس، سوم مهرماه ۱۳۸۳ / ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۴

دوستان ارجمند، خانم ها و آقایان،

با درود و آرزوی موفقیت برای شما،

متأسفم که نتوانستم در نشستهای کنگره در کنار و همراهان باشم.

بی شک مستحضر هستید که جبهه ملی بدلیل ماهیت جبهه ای بودن خود از شخصیتها و سازمانهای سیاسی گوناگون برای رسیدن به آرمانهای مشترک تشکیل یافته و از بدو تأسیس دارای دو بُعد سازمانی و اندیشه ای بوده است. بُعد اندیشه ای جبهه همواره گسترده تر و فراتر از بُعد سازمانی عمل کرده است. همین بُعد اندیشه ای است که بارها در لحظه های تاریخی خود را نشان داده و شگفتی ها آفریده است.

آنچه در شرایط کنونی برای ما پیروان راه مصدق ضروریست غنا بخشیدن به بُعد اندیشه ای جبهه و سوق دادن آن بسمت یک شکل بزرگ ملی است. برای این منظور باید با مشخص کردن هدفهایی که مورد توافق همگان است به شکل گیری هر چه زودتر این همبستگی ملی یاری دهیم. از طرح شعارهایی که نه تنها کمکی به پدید آوردن این همبستگی نمی کند بلکه به پراکندگی های بیشتر دامن می زند خودداری کنیم. پراکندگی هایی که بی شک بسود بقای جمهوری حاکم بر میهن است.

موضوع مهمی که لازم است شرکت کنندگان محترم کنگره توجه لازم به آن بنمایند، مسئله انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال آینده است. توجه داشته باشیم رقابت های سختی از هم اکنون میان جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی آغاز شده است که به تضاد بیشتر یا نوعی توافق میان آنها خواهد انجامید. این دو حالت را باید تجزیه و تحلیل کرد تا بتوان به مردم آگاهی داد و برنامه های زبان بار آنها را خنثی نمود. همانگونه که در انتخابات مجلس هفتم عمل شد و تحریم انتخابات باعث بی آبرویی بیشتر نظام در افکار عمومی مردم جهان گردید.

مسئله مهم و بسیار حیاتی امروز ایران این است که مردم نظام جمهوری اسلامی را در کلیت آن نفی می کنند و خواستار برگزاری یک همه پرسی برای تعیین سرنوشت آینده کشورند.

جبهه ملی باید بر این خواست مردم تأکید ورزد و همانگونه که خود بارها عنوان کرده است همه پرسی برای تعیین سرنوشت کشور را شعار اصلی خود قرار دهد و هر نوع پیشنهاد یا شعار دیگری را که می تواند ترفندی برای کشاندن مردم به حوزه های رأی گیری و کسب حقانیت برای موجودیت نظام - نزد افکار مردم جهان - باشد با قاطعیت رد نماید.

خواست مردم تعویض نظام است و نه تغییر قانون اساسی آن که در نهایت می تواند محدود به تغییر چند اصل آن گردد.

پاینده ایران

نامه عبرت آموز یک فارغ التحصیل

علوم اجتماعی

۱۲ سال درس خواندم تا دیپلم گرفتم، در این مرحله خانواده ام بیش از ۸۰۰ هزار تومان پول دادند تا به کلاس های کنکور تقویتی بروم و بتوانم در کنکور قبول شوم. چهار سال هم در رشته علوم اجتماعی درس خواندم تا توانستم لیسانس شوم - سرتان را درد نمی آورم که بگویم که به چه رشته ای علاقه داشتم، اما به دلیل ضوابط غلط آزمون ورودی مجبور شدم در رشته علوم اجتماعی درس بخوانم. - تحصیل تمام شد و نوبت آن رسید که وارد بازار کار شوم. اما کو کار؟ ... دو سال در بخش های دولتی و خصوصی بیهوده دوندگی کردم، تا شاید شاغل شوم. بالاخره خانم دندانپزشکی که از آشنایان است و در تهران سکونت دارد مرا به عنوان کارآموز استخدام کرد. می دانید کارش چیست؟

خانم دکتر یک دستگاه لیزری برای پاک کردن جرم های دندان تهیه کرده است و من باید کنار دست ایشان بنشینم و وسایلی نظیر باند، پنبه و ابزارهای دندانپزشکی را به دست او بدهم. قرار است فردا کارم را شروع کنم. اما سخت غمگین و دل مرده هستم. این نامه را برای شما می نویسم تا اگر دلتان خواست آن را منعکس کنید و از گردانندگان کشور بپرسید تا کی می خواهند این وضع را ادامه دهند؟ این چه روشی برای انسان تربیت کنی است؟

بیشتر همدوره ای های من - چه پسرها و چه دخترها - علاقه ای به تحصیل در رشته علوم اجتماعی نداشتند. اما به فرمان عالی جناب کنکور، مجبور بودند در این رشته درس بخوانند. تا جایی که می دانم، من اولین کسی از آن جمع هستم که شغلی یافته ام، بقیه به اندازه من هم شانس نداشتند و ندارند.

تاکی؟ ... تا کی؟ ... شما را به خدا به این وضع پایان دهید.

فریده منشادی - کرج

* نقل از ماهنامه خواندنی ها، شماره دوازدهم، چاپ تهران

